

# فیلمسازان از امیرخان (برنده جایزه بهترین بازیگر مرد سال هند) می‌گویند (روی من حساب کنید)

ترجمه: ارغوان اشتری

سیزده سال تجربه در صنعت سینمای هند با ۲۵ فیلم در کارنامه هنری (با احتساب سه پروژه که اخیراً در دست بازی دارد و ماشین زمان که گفته می‌شود بصورت مستند ساخته شده است)، بله، امیرخان همیشه بدون کاهش فعالیت خود، روی صحنه بوده است. او می‌تواند درباره جزئیات کار، وسواس به خرج دهد. او همیشه آرایه‌دهنده طرح‌های نو می‌باشد که البته بعضی از کارگردانان رضایت به «مداخله» او نمی‌دهند.

برای شناخت امیرخان، این بازیگر حرفه‌ای، چه کسی می‌تواند بهترین تعریف را آرایه دهد؟ کارگردانان فیلم‌هایش؟

امیرخان ستاره ۳۲ ساله بالیوود در نقش‌هایی متفاوت، از پس‌رکی عاشق و حادثه‌جو گرفته تا یک پسر زبر و زرننگ خیابانی و راننده تاکسی ظاهر شده است! وی در تازه‌ترین دوره مراسم جوایز فیلم فیور (که هر سال از سوی ماهنامه معتبر سینمایی فیلم فیور برپا می‌شود و توانسته طی این سالها لقب معتبرترین جشنواره سینمایی هند را بگیرد) به خاطر بازی در فیلم راجا هندوستانی جایزه بهترین بازیگر مرد را دریافت کرده است و به همین مناسبت، تهیه‌کنندگان و فیلمسازان سرشناس هند که فیلم‌هایی را با بازی او کارگردانی کرده‌اند درباره این بازیگر مطرح، صحبت می‌کنند.

منصورخان: امیر هفت سال از من کوچکتر است. در کودکی بسیار خجالتی و ساکت بود. من هیچ وقت فکر نمی‌کردم که این پسر عموی کوچولوی من علاقه‌ای به کار در صنعت سینما داشته باشد. او همیشه بسیار خوش اخلاق و در درس‌هایش موفق بود. اما لطفاً از من نپرسید که چرا راهش را تغییر داد و به سینما روی آورد، چون واقعا نمی‌دانم! شاید زمانیکه سال آخر دبیرستان بود، این علاقه در او بوجود آمد. امیر بسیار لاغر و ریزنقش بود و من بخوبی حس می‌کردم که چقدر جذب بازیگری شده است. او در هولی (کتان مهتا) ایفای نقش کرد و همکاری با پدرم را آغاز کرد. به نظر می‌رسید او فکرش را وقف کاری که انجام می‌داد می‌کرد. امیر بسیار جدی بود و تمرکز حواس داشت.

به هر حال همه چیز از قیامت سه قیامت تک، شکل گرفت. پدرم، امیر و من، همگی در فیلم سهم بسزایی داشتیم. من و او کاملاً تازه‌کار بودیم. زمانیکه صحنه‌های فیلم، فیلمبرداری می‌شد، همگان بر این عقیده بودند، که جوهری چالوا بهتر از امیرخان کار می‌کند. به جز پدر من، هیچکدام از ما مطمئن نبودیم که او بتواند بازیگر موثقی شود.

امیر برای صحنه‌های بازی‌اش در قیامت سه قیامت تک زحمت زیادی کشید. زمانیکه راش‌های اولیه فیلم را می‌دیدیم، او اظهار کرد که بهتر می‌توانسته ایفای نقش کند. بطور کلی او در تمام صحنه‌هایی که ایفای نقش کرد، عالی بود.

هر بازیگری روش خاص خودش را داراست. بعضی از آنها با تمرینات کمتر، بازی بهتری آرایه می‌دهند و برخی دیگر زمانیکه برای برداشت دوم و یا سوم از آنها می‌خواهید جلوی دوربین حاضر شوند، بهانه می‌آورند. در اکل هوم اکل توم، صحنه‌ای بود که امیر با پسرش گفتگو می‌کرد. اگرچه من از آن صحنه‌ای که فیلمبرداری کرده بودیم، راضی بودم. اما امیر طور دیگری فکر می‌کرد. او می‌دانست تا چه اندازه می‌تواند از خودش مایه بگذارد. ما صحنه را دوباره فیلمبرداری کردیم و من باید بگویم که

امیر توانست هنرش را در برداشت دوم بهتر آرایه دهد. کارگردان و بازیگر باید به یکدیگر اعتماد کنند. من فکر می‌کنم صحنه‌های این چنینی نیازمند «خودانگیختگی» است. تجزیه، تحلیل و فکر کردن بیش از اندازه، می‌تواند کار را خراب کند.

همیشه امیر اصرار می‌کند که به کارگردانانش ایمان دارد. زمانیکه قراردادی منعقد می‌کند یا چنین اعتقادی کار را شروع می‌کند. اما پیش از هر چیز، امیر می‌داند که باید داستان را به تصویر درآورد.

البته من بطور کلی با نوع قضاوت (تصمیم‌گیری) او موافق نیستم. امیر نباید بعضی از پیشنهادات را رد می‌کرد. او باید در دار ایفای نقش می‌کرد. شاه‌روخ‌خان در آن نقش بسیار جذاب ظاهر شد. امیر باید در هوم آپک هین کوین...! بازی می‌کرد. سوراخ باوجایتا با مین پیاریکیا... قابلیت‌های خود را به اثبات رسانید و موفقیت خود را با یک فیلم فوق‌العاده دیگر تکمیل کرد.

شاید امیرخان از همکاری با کارگردانی که می‌تواند بهتر با آنها رابطه برقرار کند - کسانی که به نقطه نظرات او گوش می‌دهند - احساس آرامش و راحتی بیشتری می‌کند. البته من در مقابل نظرات او تسلیم هستم و می‌دانم که امیر درست می‌گوید.

امیر نتراست به همکاری با ایندیر کمار زمانیکه دل (هسته مرکزی فیلمهای تجاری و موفق او) ساخته شد، ادامه دهد. امیر فکر می‌کرد که قرار دادن صحنه کنار آتش در فیلم، حماقت محض است ولی ایندیر تغییر عقیده نداد و همان صحنه، بسیار اثرگذار و چشمگیر شد.

من و او در سه فیلم با یکدیگر همکاری داشتیم. محور اصلی چهارمین فیلم من، جوش سه کاراکتر مرد هستند که یکی از آنها کاملاً مناسب امیرخان بود. اما وی نپذیرفت که در آن نقش بازی کند، زیرا فکر می‌کرد در این نوع شخصیت‌ها بسیار ظاهر شده است. وی نقش دیگری را می‌خواست که از نظر من مناسب نبود. و همین، دلیلی شد که امیر در جوش حضور ندارد. من دیگر نخواستم مصالحه کنم، چون فیلم باید اینطوری ساخته می‌شد.

امیر نیروی فوق‌العاده‌ای در «مقاعده‌سازی» دارد. او به یک وکیل بیشتر شبیه است، خیلی آسان مرا مجبور به تغییر عقیده می‌کند و من هم به راحتی تسلیم می‌شوم، زیرا پیش از هر چیزی در گفته‌هایش صداقت و حقیقت وجود دارد. اما زمان تغییر کرده و من دیگر نمی‌خواهم تحت تسلط قرار بگیرم. می‌خواهم فیلم را به روشی که تصور می‌کنم، بسازم. من به امیر اجازه دادم در اکل هوم... به روش و تعبیری که از نقش خود داشت، ظاهر شود. اما لطفاً از من نخواهید تا مطرح کنم، اگر نقش را به روش من بازی می‌کرد، سرنوشت فیلم این‌گونه نبود. به هر حال فیلم ساخته شد و به نمایش درآمد. و من باید پیشرفت کنم. نقطه قوت امیر حساسیت اوست. او در قالب شخصیتی که ایفا می‌کند، فرو می‌رود و تا زمانیکه آثار به خوبی آرایه

نمدهد، رها نمی‌کند. تنها نقطه ضعف او فقدان «خودانگیختگی» است. امیر خودش را در نقش غوطه‌ور می‌سازد و راه بازگشت ندارد.

ب. سوپه‌هاش: من با امیرخان از روزهای نخستین ورودش به این صنعت شروع به همکاری کردیم. او از همان روزی که قرارداد بازی در فیلم را امضاء کرد، خود را وقف پروژه عشق عشق کرد. در نهاد او از همان بدو الحاقش به این صنعت آتش دیده می‌شد. زمانیکه با یکدیگر شروع به کار کردیم، امیر تنها تجربه یک فیلم را داشت. در آن زمان او هیچ پیشنهادی را نمی‌پذیرفت. فیلمنامه من کاملاً واضح و روشن بود و جای هیچ نوع سوال و درددستی را باقی نگذاشت. حتی زمانیکه برای برداشت به او نیاز نبود، امیر درست شبیه پسران صاحب سر صحنه باقی می‌ماند. در حالیکه همانطور که می‌دانید بازیگران پس از اتمام کارشان به علت گرمای زیاد در استودیو، با کوچکترین دستاویزی به اتاق گرم پناه می‌برند.

در ابتدا، رقص امیر بسیار خوب نبود، اما او با کار و تمرین زیاد توانست بطرز چشمگیری در این زمینه پیشرفت کند امیر زمانی به این صنعت وارد شد که متوسط قد یک بازیگر مرد ۶ فوت بود. حتی با محدودیت فیزیکی‌اش، او بیادماندنی‌ترین آثار را می‌آفریند.

ویکوام پهات: امیرخان بهترین بازیگری است که امروزه ما داریم. او در ایفای نقش ابتکارات نامحدودی دارد و هنوز هم می‌تواند خود را به پسرک عاشق، نقش‌های احساسی از نوع اکل هوم اکل توم منحصر کند. او مناسب تمثیل مردانه قهرمان اکشن نیست و شاید او تا آن اندازه برای انجام کارهای حادثه‌ای مناسب نباشد، اما من به او در غلام نقشی اکشن سپردم. نقشی که کاملاً با آنچه که او تاکنون ایفا کرده، متفاوت است.

همکاری ما به گذشته دور برمی‌گردد. من دستیار ماهش بهات در دلیل هه که مانتا نهین و هوم هین راهی پیارکه بودم. همچنین در ساخت ماشین زمان (شکار کاپور) همکاری داشتیم. من از سر تنها صحنه‌ای (فیلمی) می‌آیم که باعث آزار امیرخان شد. او در کارهای کم‌دی و صحنه‌های احساسی بسیار خوب است. امیرخان یک جوان فهیم است. او نیز همچون من از یک خانواده اهل سینما وارد این صنعت شد. پس مانند من، درک می‌کند که مدیوم سینما چیست. زمانیکه شما با سینما زندگی کنید، پیش از بازیگری که از یک خانواده معمولی می‌آید، موضوعات را درک خواهید کرد.

این صنعت مکان عجیبی است. زمانیکه بازیگری پیشنهادی را رد می‌کنند، «بی‌توجه» خوانده می‌شود و زمانیکه علاقه‌ای به نقشی در یک فیلم پیدا می‌کند او را «اخلال‌گر» می‌نامند.

این جوان بیچاره در هر تمهدی که می‌پذیرد، بی‌نهایت در همه چیز خود را گرفتار می‌کند. هر کسی در آن واحد

پیش از اینکه فیلمبرداری آغاز شود حق بحث آزاد دارد. اگر امیرخان نقطه نظرات صحیحی ارائه دهد، همه از آن استقبال می‌کنند. فقط یک آدم عقده‌ای با عقیده‌ای مثبت مخالفت می‌کند بعضی مواقع، من برداشت مجدد را، حتی زمانی که امیرخان فکر می‌کند بهترین کار را ارائه داده است، درخواست می‌کردم. گاهی اوقات راه دیگری نیز وجود داشت. امیرخان یک تصور ذهنی خاص از آن برداشت داشت. اگر او فکر می‌کرد به بهترین نحو در صحنه ایفای نقش کرده است از آنجائیکه او مشکل پسند است، تماشاگران هم از او انتظارات بیشتری دارند. در واقع همان مسئله «عرضه و تقاضا» است. اگر او هر فیلم پیشنهادی را بپذیرد، این امر ممکن است باعث کمبود اشتغال بازیگران دیگر شود.

جان متشو: فکر می‌کنم امیر برای سارفروش کاملاً مناسب است. من محتاج بازیگری حساس، اما نه از نوع مردان معمولی بودم. پس از دیدن «رانگیلا»ی او مطمئن شدم که انتخاب مناسبی است. او حرفه‌ای، فهیم و با مطالعه است. امیرخان بی‌وقفه فراتر از کاپورا را روی صحنه تداعی می‌کند. او عقیده دارد، فیلمساز چون کاپیتان کشتی است. امیرخان پیشنهادات خود را می‌گوید، اما اگر شما آنرا نپذیرید، او ناراحت نمی‌شود. او همچنین برای آزایی طرح‌هایش آزاد است و از پیشنهادات بازیگران دیگر نیز استقبال می‌کند. وقت‌شناسی او فوق‌العاده است. فکر می‌کنم امیر طی این سالها، کار آزموده شده است. سخت‌کوشی و ساجتش سبب فایز آمدن او بر نقاط ضعیفی شده که داشت.

اگرچه او به نقشهای سانس مانتالی، و انسانهای رئوف چسبیده است. اما در کمندی نیز فوق‌العاده است. زمانی که برای اولین مرتبه او را ملاقات کردم ریش انبوه داشت. و سپس تمام ریش را اصلاح کرده و با سبیل بود که چهره او کاملاً تغییر کرد. من بسیار علاقمند به چهره این گونه او برای فیلم بودم که این غیرممکن بود... زیرا او در آن واحد، در سه فیلم ایفای نقش می‌کرد. و سبیل مصنوعی هم کارساز نبود.

گرام گوپال ورمه: نظری ندارم.

ایندرا کماره: امیر از زمان فیلم دل تا به حال بسیار پیشرفت کرده است. در ابتدا او محتاط بود، اما در عشق... بازیگری کاملاً متفاوت بود. او همیشه به کار کم اعتقاد دارد. به نظر می‌رسد محدود بازیگرانی چون او از این رویه پیروی می‌کنند.

اگر بازیگری عقایدش را ابراز کند، این دخالت نیست. در واقع من اغلب پیشنهاداتی را که امیر آرایه می‌داد اجرا می‌کردم. او نسخه خود را برای نقش می‌پیچید و ما هم صحنه را به همان صورت می‌گرفتیم. اما اگر بازیگری به فیلمساز دستور بدهد که کجا باید دوربین را قرار بدهی، خوب این فضولی کردن است. من خودم اگر بازیگری چنین رفتاری با من داشته باشد، خونسردی‌ام را از دست می‌دهم. تنها نقطه ضعف امیر کوتاهی قد است که با اجراهای عالی بر آن هم پیروز شده است.

دیوانند: ما با هم فقط در فیلم آوال نامبر همکاری داشتیم. قیامت سه قیامت تک امیر موفقیتی بزرگ بدست آورد. هنوز هم او بسیار منظم و خوش قول است. او همیشه، در حال تمرین بود و من دلیلی برای شکایت نمی‌دیدم. او در حرفه‌اش به خوبی کار کرده است. شما باید سخت‌کوش باشید. برنامه‌ریزی زیادی داشته باشید تا بتوانید در این تجارت نمایشی پابرجا بمانید. که امیرخان این گونه بود. من علاقمند بودم که وی در پیار که تادانا ایفای نقش کند اما متأسفانه او وقت نداشت. زیرا فیلم در کهنه‌گک فیلمبرداری می‌شد. من اخیراً نسبت به نوع

فیلمهایی که او در آنها ظاهر می‌شود، اطلاعی ندارم. تنها، گوشه‌هایی از صحنه‌های فیلمهایش را در شبکه‌های ماهواره‌ای می‌بینم.